

## بررسی رویکرد تفسیر «مشکاة» اثر محمدعلی انصاری

حسین براتی<sup>۱</sup> - دکتر محمدحسن رستمی<sup>۲</sup>

### چکیده

تفسیر مشکاة اثری از محمدعلی انصاری است که تاکنون هفده جلد از آن به چاپ رسیده است. رویکرد مؤلف، کشف معنای آیات در جهت تبیین هدف قرآن؛ یعنی «هدایتگری» است. مکتب تفسیری او را باید ادامه راه مفسرانی همچون سبزواری در مواهب الرحمن و بلاغی در آلاء الرحمن دانست که رنگ و بوی مباحث لغوی و واژگانی بر آن‌ها غلبه دارد. سعی مؤلف بر آن است تا با توجه به تخصصش در واژه‌شناسی، ابتدا با پرداختن به معنای هر واژه به اوج بلاغت قرآن اشاره کند. وی در تفسیر آیه از تمام ظرفیت‌های ادبی، عقلی، علمی، تربیتی، عرفانی، اجتماعی و... کمک می‌گیرد تا مطالب را برای مخاطب به عینیت درآورد؛ از این رو باید این تفسیر را از جمله تفاسیر اجتهادی-جامع نامید. استفاده از اشعار عربی و فارسی نیز در این تفسیر، فراوان به چشم می‌خورد. مؤلف مشکاة، روایات تفسیری و غیر تفسیری بسیاری را ذکر می‌کند و نگاهی گسترده به نهج البلاغه نیز دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر مشکاة، انصاری، روش تفسیری، مکتب تفسیری، علوم قرآنی.

شکوة  
سال سی و نهم / ش ۱۴۸ / پاییز ۱۳۹۹

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد - (نویسنده مسئول).

h.barati71@gmail.com

rostami@um.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۴ (ص ۹۷ - ۱۱۶).

## ۱. مقدمه

تفسیر و تلاش برای فهم قرآن کریم از زمان رسول خدا ﷺ تا به امروز ادامه داشته است و جاودانگی قرآن سبب می‌شود تا تفسیر آن کتاب در هر عصر و زمانی ادامه یابد؛ چراکه آیات قرآن، مهم‌ترین و نخستین منبع برای فهم دین به شمار می‌روند. تفاسیر قرآن و روش‌های تفسیر آن، به گونه‌های مختلفی دسته‌بندی شده‌اند که تفصیل آن‌ها در کتاب‌هایی که درباره روش‌های تفسیری، مکاتب تفسیری و بررسی رویکردهای مفسران به قرآن کریم نگاشته شده‌اند، قابل مشاهده است. شناخت رویکردها، روش‌ها، مبانی و مکاتب مختلف تفسیری از نکاتی است که به آن نیازمندیم؛ زیرا نگاه به مسیری که مفسران دیگران را پیموده‌اند، کمک شایانی به آیندگان خواهد کرد تا آن‌ها بتوانند بهتر به قرآن بنگرند و با آن تعامل کنند. با نگاه به روش و رویکرد مفسران است که می‌توان به نقد و ارزیابی آن‌ها پرداخت و درست را از نادرست بازشناخت، از کارهای تکراری و غیرضروری جلوگیری کرد و راه را برای حرف‌های نگفته و یا کمتر گفته شده باز کرد.

از جمله تفاسیری که در حال تألیف است و در سال‌های اخیر نگارش یافته است، تفسیر مشکاة، اثر دکتر محمدعلی انصاری است که تا زمان نگارش این متن، هفده جلد آن در دست است. از آنجا که درباره این تفسیر، مطلب و نگاشته‌ای وجود ندارد، نگارنده بر آن شد تا به بررسی روش تفسیر مشکاة پردازد و این آغازی باشد برای تحقیقات و نکته‌سنجی‌های دیگری که لازم است درباره این تفسیر انجام گیرد.

## ۲. مروری بر زندگی مؤلف

محمدعلی انصاری فرزند حاج شیخ محمود انصاری رحمته‌الله‌علیه، به سال ۱۳۴۳ در مشهد مقدس متولد شد. او تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه همین شهر گذراند و طی بیست سال، علوم متداول حوزوی را از محضر عالمان بزرگی همچون آیت الله سید حسن صالحی رحمته‌الله‌علیه، آیت الله سید ابراهیم حجازی رحمته‌الله‌علیه و یک دوره کامل خارج اصول و در کنار آن خارج فقه را از محضر آیت الله فلسفی رحمته‌الله‌علیه استفاده نمود؛ اما اثرگذارترین شخصیت علمی

در زندگی وی حضرت آیت الله شیخ محمدصادق سعیدی رحمته الله بود. او طی سیزده سال از محضر این عالم ربانی علوم مختلفی را بهره برد؛ به خصوص تفسیر قرآن کریم که شاهبیت غزل شخصیت کم نظیر علامه سعیدی بود و در نهایت ایشان شاگرد خود را با اجازتی مورد تفقد قرار داد. ایشان تحصیلات دانشگاهی را نیز در مشهد مقدس تا مقاطع عالی طی نمود و در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد. او از سال ۱۳۶۱ تدریس را در حوزه علمیه مشهد آغاز کرد و همه کتب متداول حوزوی را بارها تدریس و شاگردان برجسته‌ای را تربیت نمود. هم‌اکنون نیز در مشهد مقدس در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام به تدریس هرروزه تفسیر قرآن و خارج فقه اشتغال دارد. او تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد را نیز از سال ۱۳۷۵ آغاز کرد و اکنون در دوره دکتری مدیریت به تدریس مشغول است. وی در طی این سال‌ها در کنار همه فعالیت‌های علمی و اجتماعی، همت اصلی خود را مصروف تفسیر قرآن کریم نمود و توفیق سه دوره بازگو کردن کامل سی جزء قرآن نصیبش شد. تاکنون از او نزدیک به شصت عنوان کتاب چاپ شده است و در حال حاضر مشغول نگارش مشکاة (تفسیر قرآن کریم)، فروغ حکمت (شرح نهج البلاغه) و شکوه نیایش (شرح صحیفه سجادیه) می‌باشد که تاکنون هفده جلد مشکاة و پنج جلد فروغ حکمت چاپ شده است.<sup>۱</sup>

### ۳. «مشکاة» تفسیری نیازنگر و پاسخگو

نام گذاری این تفسیر برگرفته از آیه نور است که خداوند می‌فرماید: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ...﴾ (نور/۳۵).

مفسر محترم خود در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: «کلمه «مشکاة» که برپیشانی این اثر تفسیری می‌درخشد، منزلگاه عظیم‌ترین تجلی نورانی حضرت حق در همه ادوار تاریخ

۱. توضیحات یاد شده در این قسمت، از سایت رسمی مؤلف تفسیر به نام «بیان هدایت نور» گرفته شده

خلقت است که در حقیقت، عینیت و تحقق آن برسینه سینای رحمة للعالمین، حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله به شهود درآمده است» (انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۴).

هر اثر آیینیه‌ای از افکار، دانسته‌های علمی و گرایش‌های صاحب آن و نمودی از گفتمان حاکم بر آن عصر است. این تفسیر نیز با نگاهی دوباره به قرآن و با عنایت به ویژگی جاری بودن قرآن در هر زمان و مکان نگاشته شده است؛ همان‌طور که درباره قرآن فرمودند: «یجری کما تجری الشمس والقمر» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۱/۴۴). مؤلف مشکاة در عصر و زمان خود حضور داشته، از این رو تفسیری از جنس زمان خود آفریده و مهم‌ترین ویژگی این تفسیر، کوشش در تبیین بُعد هدایتی قرآن؛ یعنی هدف اصلی نزول است: ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ﴾ (انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۸).

مؤلف در این تفسیر فقط به کشف معنا و ذکر پاره‌ای الفاظ و عبارات تفسیری صرف بسنده نمی‌کند، بلکه آن‌ها را درآمدی برای تبیین ابعاد هدایتی کلام خداوند قرار داده، حتی در پیچیده‌ترین آیات، روح هدایتگری قرآن را در جان خواننده می‌نشانند و دشوارفهمی آن‌ها را به آسان‌یابی آموزه‌ها در فضایی ملموس بدل می‌سازد تا جایی که در مباحث فقهی نیز سعی کرده است به جنبه‌های هدایتی - تربیتی بپردازد (بنگرید به: همان، ۱۳۹۷: ۳۱/۱۲ و ۴۳-۴۴).

در این تفسیر هیچ آیه‌ای در انزوا نیست تا مهر کهنگی بر آن نشیند، بلکه بهجت و طراوت آن آشکار است و نتیجه آن تفسیری از جنس زمان و پاسخگوبه نسل حاضر است. آگاهی از زمان و درک نیازهای روز، او را واداشته تا از تمام ابزاری که می‌تواند به روشن شدن بُعد هدایتی قرآن کمک کند، بهره‌گیرد. پرداختن به مفاهیم و مسائل جاری بشر و ارائه راهکار برای دردها و معضلات فردی و اجتماعی در میان تفسیرایشان نمودی فراوان دارد. در کنار تفسیر مشکاة، آثاری دیگر از ایشان انتشار یافته است که بر این گفته گواه است؛ شرح نهج البلاغه، شرح صحیفه سجادیه، زن از منظر قرآن کریم، گام‌های موفقیت در پرتو قرآن کریم، مدیریت در اسلام و ده‌ها اثر دیگر، نتیجه دغدغه‌های مفسر است. در یک کلام، تفسیر مشکاة می‌کوشد با نگاهی ویژه به تمام آیات قرآن، روح هدایتگری را در

عمیق‌ترین معانی بازگو کند و از این رو در این تفسیر سعی شده به مسائل ادبی، اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی و جامعی از معارف قرآن پرداخته شود. تفسیر مشکاة می‌کوشد در همان حال که به مسائل جاری در بستر زمان خویش نگاه می‌کند، به مفهوم دریافت شده از آیات پردازد؛ یعنی در پی این است تا مراد از آیه را مشخص کند و مفاهیم آیات را به درستی بفهماند و سپس مخاطب، خود را در آینه آیات ببیند و وضع خودش، خانواده‌اش و جامعه‌اش را در پرتو آیات ملاحظه نماید و اگر آسویی هست، ببیند و درمان را در فروغ آن آیات بیابد.

مفسر مشکاة، اصلی مهم را برای تفسیرش از قرآن برگرفته و آن را «اصل تنوع در بیان آیات قرآن» نامیده است و در جای جای مشکاة به وسیله آن به پیش رفته است. در جایی می‌گوید: «برخی مفسران کوشیده‌اند ارتباطی بین مطالب هر آیه با مبحث قبل و بعدش ارائه کنند؛ اما نکته شایان توجه این است که سبک قرآن، سبک ویژه و متنوعی است و یکی از وجوه زیبایی و حلاوت آن این نکته است که مباحث و موضوعات آن به شکل زنجیره وار و مسلسل ذکر نشده، بلکه گاه بعد از آمدن چند آیه در یک موضوع، آیاتی با موضوع دیگری بیان شده و این به خاطر این است که مخاطب قرآن احساس ملالت و خستگی نکند» (همان، ۱۳۹۶: ۴/۴۶۶).

#### ۴. مکتب تفسیری

مفسر، خود را شیفته استادی گران قدر و مفسری کبیر معرفی می‌کند و با عباراتی والا از آیت الله محمدصادق سعیدی کاشمیری نام می‌برد و ایشان را صاحب رویه‌ای خاص در تفسیر می‌داند که آن را از محضر مرحوم سبزواری، صاحب تفسیر مواهب الرحمن و شیخ محمد جواد بلاغی، صاحب تفسیر آلاء الرحمن کسب کرده است. استاد انصاری، مکتب تفسیری خود را استمرار مکتب تفسیری این مفسران بزرگ و ادامه دهنده شیوه تفسیری آنان می‌داند (همان، ۱۳۹۲: ۱/۲۵).

## ۵. روش شناسی تفسیر مشکاة

روش تفسیری، مستند یا مستنداتی است که مفسر بر اساس آن، به تفسیر می پردازد. بنابراین روش هم ناظر به منبع و ابزاری است که مفسر برای تفسیر آیات از آن استفاده می کند و هم در بردارنده مراحل است که مفسر برای رسیدن به مراد آیات طی می کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۲).

صاحب این تفسیر هیچ پیش فرضی را نسبت به مقید کردن تفسیرش به روش های عقلی یا نقلی یا گونه های دیگر نام گذاری شده متداول مطرح نمی کند، بلکه آن طور که خود در مقدمه تفسیر گفته است، سعی دارد تا با بهره گیری از ظرفیت های ادبی، عقلی، علمی، تربیتی، عرفانی، اجتماعی و... مطالب را برای مخاطب به عینیت در آورد (انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۳). بنابراین، روش تفسیری حاکم بر این تفسیر، روش جامع ادبی و اجتماعی - اخلاقی و نیز معقول و منقول است. به بیانی دیگر، این تفسیر از انواع تفسیرهای اجتهادی جامع به شمار می رود؛ چنان که در مورد این نوع تفاسیر گفته اند: تفسیرهایی است که مؤلفان آن ها برای توضیح معنای آیات از امور مختلف کمک گرفته اند. هم از لغت و ادبیات عرب، هم از خود آیات قرآن، هم از روایات و هم از قراین دانش و آگاهی خود از آن استفاده کرده اند (بابایی، ۱۳۸۱: ۱/۲۶)، اما سعی مؤلف بر آن بوده تا برای تفسیر قرآن، بیش از همه به خود قرآن رجوع کند؛ چنان که خود می گوید: «بهترین روش تفسیر قرآن کریم، استفاده از آیات کریمه وحی و زانوزدن در محضر کلام الهی است. به بیان دیگر، شیوه بیان و تبیین قرآن را باید از قرآن آموخت (انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۷۵) که: يٰطٰقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلٰی بَعْضٍ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳).

در ادامه به بررسی دو محور اساسی؛ یعنی «روش شناسی تفسیر مشکاة» و «پرداختن به مسائل علوم قرآنی» در این تفسیر می پردازیم؛ زیرا این دو محور، در بسیاری از تفاسیر قرآن، قابل ردیابی است و در واقع، بهترین مسیر برای شناخت تفاسیر و روش تفسیری آن ها محسوب می شود.

## ۵-۱. پرداختن به لغت

از مهم‌ترین ویژگی‌های این تفسیر، پرداختن به معانی واژگان و فهم مفردات قرآن از مسیر کتب لغت است. صاحب این تفسیر با تخصص ویژه‌ای که در لغت‌شناسی دارد به سادگی از کنار هر لغتی نمی‌گذرد و در حد نیاز به بررسی واژه می‌پردازد. شیوه مفسر در تفسیر آیات، تأکید دقیق و عمیق بر کالبدشکافی واژه‌ها بر اساس متون کهن است. بیشترین استفاده را از کتب مفردات راغب اصفهانی، الصحاح جوهری، معجم مقاییس اللغه ابن فارس، العین خلیل و لسان‌العرب ابن منظور برده است، ولی در همه این موارد، فقط گزارش‌کننده و راوی نیست، بلکه خود به عنوان فردی کاملاً آشنا با فقه اللغه، به اظهار نظر می‌پردازد و از این رو تفسیر مشکاة، رنگ و بوی ادبی - لغوی به خود گرفته است. این واژه‌شناسی دقیق و عمیق، سبب شده است تا بسیاری از برداشت‌های نادرستی که از برخی آیات شده است، به کنار روند و تفسیر صحیحی از آیات به دست دهد.

مؤلف، خود در اهمیت این قضیه می‌نویسد: «به دلیل اهمیت انکارناپذیری که کلمه و کلام به عنوان قالب برگزیده برای انتقال حقایق دارد، در ابتدا تأکیدی بر شناخت واژگان می‌شود تا ارتباط بهتری بین اذهان مخاطبان و مطالب ایجاد گردد و تسهیلی در دست یافتن به محتوای نهایی کلام روی دهد» (انصاری، ۱۳۹۲: ۲۳/۱).

توضیح کلمات و واژه‌ها در ابتدای هر آیه به طور مفصل با عنوان معناشناسی ذکر می‌شود. تفاوت واژه‌هایی که معنایی نزدیک به هم دارند در این تفسیر به خوبی بیان شده و برداشت‌های دقیقی از آیات به همین سبب انجام گرفته است. به عنوان نمونه، در نخستین آیه از سوره حمد به تفاوت «حمد» و «مدح» پرداخته و چندین صفحه آن را بحث کرده تا نشان دهد خداوند به بهترین وجه، این واژه را در جای خودش به کار گرفته است (همان، ۱۸۴/۱-۱۸۷). گاهی به لغاتی که در زبان‌های فارسی و عربی مشترک‌اند، اشاره می‌کند؛ به عنوان نمونه، در واکاوای واژه «دین» این واژه را مشترک میان فارسی و عربی می‌داند و به لغات مشترک دیگری اشاره می‌کند؛ مثل خمیر، درهم، دینار، زمان، کنز و تنور (همان، ۲۱۶/۱).

## ۲-۵. استفاده از روایات و گونه‌شناسی روایات تفسیری

روایات در این تفسیر، جایگاهی ویژه دارند و در موارد مختلفی و برای اهداف گوناگونی ذکر می‌شوند. قابل توضیح است؛ مفسر محترم در هر زمانی که به ذکر روایتی نیاز باشد و بتوان به وسیله روایت، گره‌ای را گشود، متوسل به روایت می‌شود.

روایاتی که به صورت مستقیم با قرآن ارتباط دارند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: برخی از این روایات، به معرفی قرآن می‌پردازند و مباحثی از قبیل: جایگاه قرآن، قواعد فهم قرآن، علوم قرآنی و فضایل سوره‌ها در خود جای داده‌اند که از این گروه، با عنوان «قرآن‌شناسی بر پایه روایات» یاد می‌شود. گروه دوم، روایاتی هستند که به گونه‌ای به بیان مراد یک آیه پرداخته و زمینه‌های فهم آیه را فراهم می‌کنند. در تفسیر مورد نظر از هر دو دسته از روایات، استفاده شده است. برخی عقیده دارند هر روایتی که به گونه‌ای به تبیین مفاد آیات قرآن بینجامد، روایت تفسیری است، حتی اگر در آن، هیچ اشاره‌ای به آیه نشده باشد. حدیث تفسیری عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم یا گزاره‌ای از امور و شئون مربوط به معصوم که در پرتو آن، جهتی از جهات معنایی قرآن مفهوم گردد، این تعریف شامل دسته‌های حدیثی مصطلح و غیر مصطلح می‌گردد. حدیث تفسیری مصطلح، شامل احادیثی می‌شود که نظر به آیه یا آیاتی خاص داشته باشند، و یا ناظر به قاعده‌ای کلی از قواعد فهم قرآن باشند (مهریزی، ۱۳۸۹: ۱/۱۵).

مفسر در بیان هر قسمت از آیات، همچون برخی تفاسیر<sup>۱</sup>، به بحثی ویژه با عنوان بحث روایی نمی‌پردازد و در بیان هر یک از آیات، اگر روایت مورد نظری باشد از آن استفاده می‌کند، ولی در مواردی نیز از این شیوه عدول کرده، به طور مستقل بحثی را با عنوان «تفسیر روایی آیه» مطرح می‌کند؛ به عنوان نمونه در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء/۱۱۰)، پس از توضیح آیه، مطلبی مستقل

۱. بنگرید به: طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی،



با عنوان «تفسیر روایی آیه شریفه» یاد کرده و به ذکر روایت پرداخته است (انصاری، ۱۳۹۶: ۹۹/۱۱-۱۰۰). در موردی دیگر روایتی تفسیری از امام صادق علیه السلام را ذیل عنوان مستقل «تفسیر آیه شریفه در کلام امام صادق علیه السلام» بیان می‌کند (همان، ۲۴۵/۱۱).

با تتبع و بررسی که درباره تفسیر مورد نظر شد، روایات تفسیری در این تفسیر برای اهداف گوناگونی استفاده شده‌اند که مهم‌ترین گونه‌های آن عبارت‌اند از: استفاده از روایت به عنوان گسترش مصادیق آیه (همان، ۱۳۹۲: ۷۶/۲)، استفاده از روایت تفسیری در حل اختلاف مفسران (همان، ۱۳۹۴: ۵۴۹/۷)، ارائه مصداق کامل در معنای آیه (همان، ۴۰۴/۷)، روایات در جایگاه و فضیلت سوره‌ها و نام‌گذاری آن‌ها (همان، ۱۳۹۲: ۱۹/۲؛ همان، ۱۳۹۷: ۲۸۴/۱۳ و ۲۸۶)، تعیین مکی و مدنی بودن سوره (همان، ۱۳۹۲: ۱۹/۲)، ارائه مفهومی عام‌تر از آیه نسبت به مورد نزول آیه (همان، ۱۰۰/۲)، انتخاب مصداقی از مصادیق به عنوان معنای آیه (همان، ۱۳۹۴: ۲۶۳/۷؛ همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۱۲۴)، استفاده از روایت به عنوان مصداق بارز آیه (همان، ۱۳۹۳: ۸۲/۵)، عدم تقييد آیه به موردی خاص با توجه به روایت ذیل آن (همان، ۱۳۹۶: ۶۳۷/۱۰)، ذکر روایت به عنوان تأیید و توضیح بیشتر معنای برداشت شده از آیه (همان، ۱۰۶/۱۰)، تقييد آیه‌ای با توجه به آیه دیگر و ذکر همان تقييد در روایت (همان، ۱۳۹۷: ۱۰/۱۳)، تفسیر آیه توسط روایت (همان، ۲۹۶/۱۳؛ همان، ۱۳۹۴: ۱۸۴/۷)، تدریجی یا دفعی نازل شدن یک سوره؛ به عنوان نمونه در مورد دفعی نازل شدن سوره انعام از روایتی از امام رضا علیه السلام بهره می‌گیرد (همان، ۱۳۹۷: ۲۸۵/۱۳)، ترجیح قولی از اقوال گفته شده در تفسیر آیه به وسیله روایت (همان، ۴۶۹/۱۳-۴۶۸)، نام‌گذاری آیه با توجه به روایات (همان، ۱۳۹۷: ۴۷۹/۱۲)، ذکر شدن واژه‌ای در روایت تفسیری به عنوان مترادف و یا عمومیت آن نسبت به مورد آیه (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۵۹۵). نیز یکی از موارد استفاده از روایات در این تفسیر، برای فهم بهتر واژه و تأییدی برای معنای انتخاب شده توسط مفسر است؛ به عنوان نمونه، به بررسی لغوی ریشه «نفق» می‌پردازد و آن را به پیروی از دیگر لغویان به معنای خروج می‌داند و معنایی مقابل امساک را برای واژه انفاق در نظر می‌گیرد؛ سپس به روایتی استشهاد می‌کند

که همین معنا در آن آمده است (همان، ۱۳۹۲: ۲/۹۳)، «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا وَ أَعْطِ كُلَّ مُمْسِكٍ تَلْفًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۶۸).

یکی از گونه‌های استفاده از روایات در این تفسیر، استفاده از نهج البلاغه است که مفسر به آن توجه ویژه‌ای دارد. در موارد فراوانی به عنوان تأیید و توضیح مطالب، به این کتاب شریف استناد می‌کند (انصاری، ۱۳۹۲: ۲/۸۹ و ۱۶۷؛ همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۱۸۳ و ۴۸۶) در مواردی از نهج البلاغه به عنوان تأییدی بر شأن نزول آیه (همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۳۷۹) و در برخی مواقع با عنوانی خاص، موضوعی را در نهج البلاغه پی می‌گیرد (همان، ۳۵۹/۱۰).

### ۵-۳. طرح و نقد آرای تفسیری

مؤلف مشکاة، تنها ارائه دهنده دیدگاه‌های خود یا رواج دهنده دیدگاه‌های مفسران دیگر نیست، بلکه در موارد فراوانی، به نقد و بررسی آرای دیگر مفسران نیز پرداخته و پس از بررسی، نظر خویش را تبیین کرده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

ذیل آیه هفتم سوره آل عمران، اختلاف مفسران را در مورد استیناف یا عطف بودن «الراسخون فی العلم» به «الله» بازگو کرده و قائلان به استیناف را ذکر می‌کند و در مقام نقد آن‌ها برمی‌آید و قول مختار را مبنی بر عطف بودن «الراسخون فی العلم» به «الله» می‌پذیرد و به همین مناسبت آیات قرآن را از نظر فهم به سه سطح تقسیم می‌کند؛ بخشی از آیات را عموم جامعه بشری می‌دانند، برخی نیز مخصوص خردمندان و ژرف اندیشان است و قسمتی که فقط راسخان در علم؛ یعنی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام حقیقت آن‌ها را می‌فهمند (همان، ۱۳۹۴: ۷/۸۱-۸۳).

در موردی دیگر، دیدگاه صاحب المنار را مبنی بر اینکه «نساء» در آیه مباهله نمی‌تواند به معنای دختران باشد، تخطئه می‌کند و در پاسخ به آن از آیه «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره/۴۹) استفاده می‌نماید که «نساء» به معنای دختران به کار رفته است (انصاری، ۱۳۹۴: ۷/۶۰۰). در نمونه‌ای دیگر، نظر برخی مفسران، چون فخر رازی،

طبری و شیخ طوسی را درباره گوینده عبارت «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» (آل عمران / ۳۶) می آورد و آن را رد می کند (انصاری، ۱۳۹۴: ۳۵۷/۷).

در مورد تفسیر «اولی الامر» در آیه ۵۹ سوره نساء به بیان اختلاف مفسران شیعی و سنی می پردازد و بعد از ذکر اقوال مفسرانی چون طبری، فخر رازی، ابوحنیفه اندلسی، سید قطب و رشید رضا به خاستگاه تفکر اهل سنت در مورد امامت پرداخته و اشتباهات آن ها و نظر مفسران شیعه مبنی بر اینکه مراد از اولی الامر، اهل بیت علیهم السلام است، ذکر کرده، با ارائه دلایل از آن دفاع می کند (همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۲۴۶-۲۵۶). در مواردی دیگر برای تفسیر آیه ای، اقوال مطرح شده را ذکر می نماید و پس از آن در مقام ترجیح قول یک مفسر بر دیگری برمی آید (همان، ۱۳۹۷: ۱۳/۲۴۵). در برخی موارد بعد از ارائه نظر خود به نقل دیدگاه مفسری دیگر می پردازد و هیچ تخطئه ای نمی کند (همان، ۱۳۹۴: ۷/۴۹۲). در مواردی نیز به دیدگاه های مستشرقان درباره اسلام و قرآن اشاره می کند و با توجه به آیات و دلایل دیگر، آن ها را به نقد می کشد (همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۴۶۴). در مواردی به نقد تفکرات وهابیت می پردازد و با توجه به دلایل عقلی و نقلی آن ها را رد می کند (همان، ۱۰/۲۷۷).

#### ۴-۵. پرداختن به مباحث بلاغی

از نکات دیگری که در این تفسیر خودنمایی می کند پرداختن به مباحث علوم بلاغت است. چنان که اشاره شد، مفسر محترم با تخصص ویژه ای که در این زمینه دارد در گام نخست بعد از واکاوی لغات، به نکات بلاغی موجود در آیه با کمک از علم بلاغت، اشاره می کند.

نگاه هدایتی مفسر سبب شده تا در برخی از مسائل بلاغی همچون «تشبیه» نیز به وجه هدایتی قرآن پرداخته شود. در تفسیر «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (بقره / ۲۲۳) تشبیه زنان را به کشتزار مطرح کرده و چندین نکته تربیتی و عمیق، همچون واجب کفایی بودن ازدواج، لزوم دقت در انتخاب همسر، لزوم تلاش مرد مسلمان برای خانواده، تأکید بر حفظ خانواده و لزوم حفاظت از شادابی و طراوت همسر را از آن برداشت کرده

است (انصاری، ۱۳۹۳: ۵/۵۵۶-۵۶۴).

در آغاز تفسیر سوره مائده، اولین آیه این سوره؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» را در حکم «براعت استهلال» برای تمام سوره مبارکه می‌داند و در پاورقی به تعریف این صنعت بلاغی اشاره می‌کند (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۵۸۸)، چنان که همین مطلب را ذیل آیه آغازین سوره انعام نیز مشاهده می‌کنیم (همان، ۱۳۹۷: ۱۳/۲۸۷). در مواردی به بحث حصرو انواع آن می‌پردازد (همان، ۱۳۹۷: ۱۲/۴۷۹). ذیل آیه ۱۱۶ سوره نساء، فلسفه وجود صنعت تکرار در قرآن و چرایی تکرار در برخی مضامین قرآنی را بیان می‌کند (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۱۴۶). اهتمام به این مسئله سبب می‌شود تا مفسر، در علت کاربرد هر لفظی دقت کند؛ در آیه «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ...» (انعام/۳۸) قید «بِجَنَاحَيْهِ» ظاهراً اضافه به نظر می‌رسد؛ زیرا بدیهی است که هر پرنده‌ای با دو بال پرواز می‌کند؛ از این رو، لزوم آمدن «بِجَنَاحَيْهِ» را از باب تأکید دانسته، آن را همچون عبارت «رَأَيْتُ بَعْضِي» یا «كُتِبْتُ بِأَنَامِلِي» می‌داند (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۳/۲۸۷).

#### ۵-۵. استفاده از شعر

مفسر محترم به سبب تخصص ویژه‌ای که در ادبیات فارسی و عربی دارد، فراوان به ذکر اشعار می‌پردازد و مخصوصاً در فهم واژگان از اشعار فارسی بسیار بهره می‌گیرد. به عنوان نمونه؛ در جلد دوم مشکاة نزدیک به صد بار از اشعار فارسی و پانزده بار از اشعار عربی استفاده شده است که این نشان از رویکرد ویژه مفسر در به کارگیری شعر در تفسیر دارد. کاربرد شعر در این تفسیر، به منظور نیازمندی تفسیر قرآن به شعر نیست تا گمان شود شعر هم می‌تواند به عنوان منبعی برای تفسیر قرآن به کار رود، بلکه از آن روست که شعر می‌تواند ابزار خوبی برای تثبیت معنای به دست آمده از آیه باشد. متذکر می‌شویم که خود این بحث و گونه‌های استفاده از شعر در این تفسیر و چرایی و چگونگی آن‌ها، خود بحث مستقلی را می‌طلبد.

در موردی برای معنای واژه «نفر» و برگرداندن آن به فارسی، از شعر بهره می‌برد و آن را به معنای «بسیجیدن» می‌داند؛ چنان‌که فردوسی سروده است:

از آنجا بسیجید بیژن به راه      کمر بست و بنهاد بر سر کلاه

(همان، ۱۳۹۶: ۱۰/۳۵۳)

نکته جالب این است که گاهی با توجه به آیات و معنای صحیح آن‌ها به نقد اشعار فارسی نیز می‌پردازد (همان، ۱۳۹۴: ۷/۲۶۵). گاهی شعری از شاعر، به عنوان تأیید روایتی ذکر می‌شود؛ به عنوان مثال در مورد فلسفه حرام شدن شراب و پس از ذکر روایت «إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۰۳) این بیت شعر را از سنایی نقل می‌کند:

چیست حاصل سوی شراب شدن      اولش شرّ و آخر آب شدن

گاهی ذکر اشعار به چندین بیت طولانی نیز می‌انجامد که مفسر همه آن‌ها را در متن کتاب ذکر می‌کند و این نشان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است که شعر در تثبیت معنای آیه به مخاطب دارد (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۱/۱۸۳-۱۸۴).

استفاده از اشعار عربی نیز، نشان از تسلط و اشراف مؤلف آن بر ادبیات عربی دارد که فایده‌های بسیاری بر آن مترتب است. از نکات برجسته در تفسیر مشکاة این است که اشعار عربی برای اهداف گوناگون ذکر می‌شود. در مواردی از اشعار منسوب به ائمه علیهم‌السلام بهره می‌گیرد (همان، ۱۳۹۲: ۲/۵۳۸)، یا برای نکته‌ای نحوی به شعری استناد می‌کند (همان، ۲/۴۲۱)، در موارد فراوانی به اشعار عرفانی استناد می‌شود (همان، ۲/۵۳۹) و در برخی موارد از ضرب‌المثل‌های عربی نیز استفاده می‌شود (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۱۹۴).

#### ۵-۶. استفاده گسترده از منابع

مؤلف از منابع مختلفی بهره گرفته است که در پایان هر جلد از آن‌ها نام می‌برد. این گستردگی منابع، نشان از همت والای مفسر داشته، گواه بر این است که ایشان در تفسیر آیات فقط به منابع شیعی رجوع نکرده، بلکه از منابع و مراجع دیگر ادیان و فرقه‌ها نیز بهره برده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به تفسیر آیات ۱۵۸ و ۱۵۷ از سوره نساء اشاره کرد که به اعتقادات مسیحیت در باب حضرت عیسی علیه‌السلام پرداخته و مفسر، به تفصیل اعتقادات

آن‌ها و گزارش‌های اناجیل مختلف و دیگر کتاب‌های مسیحیت را آورده و آن‌ها را نقد و بررسی کرده است (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۴۳۶-۴۴۳).

## ۶- پرداختن به مباحث علوم قرآنی

هر مفسری ناگزیر است به برخی از مباحثی که درباره قرآن مطرح است و در اصطلاح به آن‌ها علوم قرآنی می‌گوییم، بپردازد. صاحب مشکاة نیز به برخی از این مسائل پرداخته و دیدگاه خویش را درباره آن‌ها تبیین نموده است که به برخی از آن‌ها در حد نیاز اشاره می‌کنیم:

### ۶-۱. مکی و مدنی

مفسر محترم در ابتدای هر سوره به مکی یا مدنی بودن سوره اشاره می‌کند و ملاک ایشان در تعیین مکی و مدنی، زمان نزول آن‌هاست. در همین زمینه می‌نویسد: «اگر آیه یا سوره‌ای پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به مدینه نازل شده باشد، مکی و اگر پس از هجرت ایشان به مدینه فرود آمده باشد، مدنی نام گرفته است. بنابراین آیات و سوره‌هایی که پس از فتح مکه در این شهر مبارک و نورانی نازل شده، مدنی محسوب می‌شود» (همان، ۱۳۹۶: ۱۱/۵۸۷). از بررسی سوره‌هایی که تاکنون تفسیر شده است، برداشت می‌شود که اگر سوره‌ای را مکی و یا مدنی می‌داند، منظور تمام آیات آن است و آیه یا آیاتی را استثنا نمی‌کند.

### ۶-۲. اعجاز قرآن

از جمله مباحث مطرح شده در علوم قرآنی، مبحث اعجاز است که در این تفسیر با توجه به تخصص ویژه مفسر در علوم ادبی به تفصیل ذیل آیه ۲۳ سوره بقره بحث می‌شود و وجوه اعجاز قرآن در دو وجه ساختاری (لفظی، ظاهری، قالبی) و وجه محتوایی (معنوی، باطنی، ماهوی) بررسی می‌گردد. در اعجاز لفظی به سبک بیانی منحصر به فرد، فصاحت و بلاغت، چیدمان منظم حروف و کلمات، ویژگی‌های آوا معنایی، جایگزین ناپذیری

واژگان و قابلیت فهم همگانی قرآن می‌پردازد. در اعجاز معنوی نیز به بیان اعتقادات و معارف ناب، تشریح و قانون‌گذاری، بیان فضایل و رذایل اخلاقی، بیان اخبار غیبی، بیان حقایق علمی، جامعیت قرآن و نداشتن تناقض پرداخته می‌شود (همان، ۱۳۹۲: ۲/۲۶۰-۲۹۰).

### ۳-۶. اختلاف قرائات

مفسر محترم سعی بر آن دارد تا مطالبی را که در تفسیرش حداقل نیازی به آن احساس می‌شود، فروگذار نکند و به فراخور بحث آن‌ها را مطرح کند. یکی از این مسائل، اختلاف قرائات است که در برخی از تفاسیر به صورت گسترده بحث می‌شود و در تفاسیر دیگری هیچ اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌شود. در تفسیر مشکاة، مفسر نه راه افراط را پیش گرفته و نه راه تفریط را؛ بلکه در برخی آیات که اختلاف قرائات به نوعی در آن‌ها مشهودتر است، اختلاف را ذکر می‌کند و در همان جا نیز سعی دارد تا فقط نقل‌کننده نباشد و تفاوت را مطرح می‌کند و سپس به تفصیل به واکاوی آن می‌پردازد؛ به عنوان نمونه، در مورد اختلاف قرائت آیه ۴ سوره حمد که برخی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و برخی دیگر «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» خوانده‌اند، به تفصیل وارد بحث می‌شود و براساس همان شیوه خاص خود، تفاوت هر دو را از منظر علم لغت یادآور شده، مفهوم مالکیت و ملکیت را بررسی می‌کند و بعد از عرضه هریک از قرائات بر آیات دیگر و روایات ائمه عليهم السلام، نتیجه می‌گیرد که تفاوتی به لحاظ معنا و مفهوم میان قرائات موجود نیست؛ زیرا ملک او عین ملک او و ملک او عین ملک او است و البته در ادامه با طرح اشکالی که از سوی برخی نسبت به قرائت «مالک» شده است و با توجه به آیه‌های ۱۸ و ۱۹ سوره انفطار، قرائت «مَلِكِ» را ترجیح می‌دهد (همان، ۱۳۹۲: ۱/۲۳۰). در مواردی دیگر فقط اختلاف موجود در قرائت آیه یا بخشی از آیه را ذکر می‌کند و نظری نسبت به رد یا قبول هریک نمی‌دهد؛ مثلاً در مورد آیه «فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ...» (مائده/۱۰۷) می‌نویسد: واژه «الْأُولِيَانِ» تشنیه «أولی» و به معنای سزاوار است، سپس از ابن مجاهد نقل

می‌کند که این واژه به صورت جمع نیز قرائت شده و صفت برای الذین است (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۳/۲۳۴-۲۳۵؛ همان، ۱۳۹۶: ۴/۴۸).

#### ۴-۶. سبب و شأن نزول

میان شأن و سبب نزول تفاوت وجود دارد؛ هرگاه به مناسبت ماجرای درباره شخص یا حادثه‌ای، خواه در گذشته یا حال یا آینده و یا درباره فرض احکام، آیه یا آیاتی نازل شود، همه این موارد را شأن نزول آن آیات می‌گویند؛ اما سبب نزول، حادثه یا پیشامدی است که متعاقب آن، آیه یا آیاتی نازل می‌شود و به عبارت دیگر، آن پیشامد باعث و موجب نزول می‌شود (معرفت، ۱۳۸۲: ۶۶).

در تفسیر مشکاة آمده است: «هنگامی که عالمان قرآن پژوه در تطبیق مصداق برخی از آیات شریفه قرآن دچار تردید می‌شوند، ابزار کارآمدی به نام «شأن نزول» در اختیار دارند که کمک شایانی به آن‌ها می‌کند. دانشمندان علوم قرآنی اعم از شیعه و سنی در بسیاری اوقات می‌توانند با استفاده از شأن نزول، در تعریف و بیان مصداق آیات بینات قرآن به اجماعی پذیرفته برسند» (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۲/۴۹۴).

از این بیان، برداشت می‌شود که مفسر محترم برای شأن نزول، جایگاه ابزاری قائل است و اگر مانند مسائل دیگر، نیازی به ذکر آن باشد؛ یعنی فهم آیه منوط به ذکر آن باشد، آن را می‌آورد و در این میان، به بررسی همه اقوال و گفته‌هایی که در شأن نزول برخی آیات آمده، نیازی نمی‌بیند.

ایشان در جایی دیگر می‌نویسد: «باید توجه کنیم که وجود شأن نزول در آیات، مصداق بارز آن آیه را نشان می‌دهد؛ نه اینکه تمام معنا در آن منحصر باشد» (همان، ۱۳۹۷: ۱۲/۵۵)؛ یعنی همان قاعده اصولی که مفسران نیز آن را به کار می‌گیرند: «أَنَّ الْعِبْرَةَ بَعْموم اللفظ لا بخصوص المورد» (معرفت، ۱۴۱۵: ۱/۲۴۱). این مطلب همان نکته‌ای است که قرآن را جاری و ساری در همه اعصار می‌داند و اینکه چنان خورشید است که هر روز از نو طلوع می‌کند: «مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ، قَالَ: ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ وَ مِنْهُ



مَا قَدْ مَضَىٰ وَمِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ. يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۱۹۶). بنابراین شیوه مؤلف در تفسیر، ایشان تا زمانی که برای فهم آیه نیازی به ذکر شأن نزول و اسباب نزول نباشد آن را ذکر نمی‌کند، ولی اگر خود آیه گواه بر قضیه‌ای است که آن قضیه باید یاد شود، آن را ذکر می‌کند؛ مثلاً ذیل آیه ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْقُرَآنِ فَتَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران / ۱۳) که صحبت از دو گروه است و فهم بهتر آیه منوط به ذکر این دو گروه است، به شأن نزول اشاره می‌کند (انصاری، ۱۳۹۴: ۷ / ۱۱۵). نیز در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ آتَيْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَمِينِ﴾ (مائده / ۱۰۶) از آنجا که معنای آیه منوط به فهم شأن نزول است، آن را ذکر می‌کند.

ذیل آیه ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانُوا مِنْكُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (مائده / ۱۰۴) پس از ذکر شأن نزول که درباره درخواست پیامبر ﷺ از مسلمانان در جنگ احد است، می‌نویسد: «افزون بر این شأن نزول که ما را در فهم نیکوتری از آیه شریفه هدایت می‌کند، این آیه به صورت کلی مسلمانان را به پایداری و استقامت در برابر دشمنان اسلام و تعقیب آن‌ها فرامی‌خواند» (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۱ / ۶۷).

#### ۵-۶. نسخ

از جمله مسائلی که در مباحث علوم قرآنی از دیرباز مورد توجه قرآن پژوهان بوده مسئله نسخ است. نسخ یعنی مرتفع شدن امر ثابتی در شریعت مقدس به لحاظ سرآمدن مدت و زمان آن، خواه از احکام تکلیفی باشد یا از احکام وضعی یا از اموری که به خدای سبحان از آن رو که شارع است، بازگردد (خویی، بی‌تا: ۲۷۶).

در تفسیر مشکاة ذیل آیه «**مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا**» (بقره/ ۱۰۶) بحث نسبتاً مفصّلی در این باره آمده است و اقوال بسیاری از علمای شیعه و سنی از کتب مختلف احصاء و بررسی شده است. مفسّر محترم دو معنا را برای واژه «آیه» بررسی می‌کند و آن بستگی به این دارد که معنای آن کلمه را در این آیه چه بدانیم. ممکن است به معنای آیه قرآن باشد، یا به معنای شرایع پیشین. اگر به معنای آیه قرآن باشد، همان‌طور که دیدگاه مشهور نیز همین است، بحث نسخ قرآنی مطرح می‌شود. صاحب مشکاة پس از ذکر انواع نسخ، قول به نسخ التلاوة را همچون برخی دیگر از علمای شیعه همان قول به تحریف آیات الهی می‌داند (خوبی، بی تا: ۱۲۹) و در پی نقد آن برمی‌آید (انصاری، ۱۳۹۶: ۳۸/۴). از نظر نگارنده تفسیر، فقط در سه آیه قرآن، پدیده نسخ رخ داده است که آیات ۱۲ سوره مجادله، ۱۵ سوره نساء و ۲۴ سوره بقره هستند (همان، ۴/ ۴۳-۳۹).

### نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر، گزارشی بود از روش شناسی تفسیر مشکاة، اثر استاد محمدعلی انصاری که در سال‌های اخیر کارنشر آن شروع شده و در حال حاضر، هفده جلد از آن در دست است که از آغاز قرآن تا آیه ۲۲ سوره توبه را شامل می‌شود. با جستجو و تتبع در این چند جلد به نکاتی برخوردیم که قابل ذکرند:

- چنان‌که از تصریح مفسّر، شیوه تفسیری و نگاه ایشان به آیات، برداشت می‌شود، هدف از این تفسیر، توجه به بُعد هدایتی قرآن کریم است.
- مکتب تفسیری صاحب مشکاة را، با توجه به تصریح مؤلف، می‌توان در ادامه مسیر افرادی همچون بلاغی، سبزواری و سعیدی کاشمیری دانست.
- در این تفسیر سعی شده تا نگاه عمیق و دقیق از آیات قرآن، به مخاطب منتقل شود؛ بنابراین مفسّر تلاش کرده تا معنای آیه و مفهوم برداشت شده از آن را کشف کرده، مخاطب خود را در مقابل آیین‌های بگذاورد تا خود را در آن ببیند و راه خود را پیدا کند.
- توجه به بُعد هدایتی قرآن، سبب نشده تا از بحث‌های عمیق تفسیری در این تفسیر

غفلت شود؛ بلکه آیه‌ای نیست مگر اینکه تا حد امکان، به جوانب مختلف آن پرداخته شده، ظرافت‌های تفسیری و بحث‌های اختلافی در نگاه مفسران نیز حل و فصل شده است و در عموم آن‌ها، مفسر، حضور داشته و اظهار نظر و نقد و بررسی می‌کند و در مواقع زیادی به نوآوری‌هایی پرداخته که شاید در تفسیر دیگری وجود ندارد و یا بدان صورت به آن پرداخته نشده است.

- در تفسیر مشکاة سعی شده تا از تمام ظرفیت‌ها برای تفسیر آیه کمک گرفته شود؛ که در این میان، نگاه به فقه‌اللغه و شکافتن واژگان قرآنی، جایگاه ویژه‌ای دارد. روایات اعم از روایات تفسیری و غیرتفسیری و نهج‌البلاغه، به گونه‌های مختلفی به کار گرفته شده است که تا حد امکان، آن‌ها را گونه‌شناسی کردیم و شیوه به کارگیری آن‌ها را نشان دادیم.

- صاحب این تفسیر هیچ پیش‌فرضی را نسبت به مقتید کردن تفسیرش به روش‌های عقلی یا نقلی یا گونه‌های دیگر نام‌گذاری شده متداول مطرح نمی‌کند، بلکه آن‌طور که خود در مقدمه تفسیر گفته است، سعی دارد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادبی، عقلی، علمی، تربیتی، عرفانی، اجتماعی و... مطالب را برای مخاطب به عینیت درآورد. از این‌رو، روش تفسیری حاکم بر این تفسیر، روش جامع ادبی و اجتماعی - اخلاقی و نیز معقول و منقول است. به بیانی دیگر، این تفسیر از تفسیرهای اجتهادی جامع به شمار می‌رود.

- نکته آخر اینکه هیچ اثری جز کلام خداوند و سنت قطعی معصومان علیهم‌السلام بدون اشکال و نقص نیست و این تفسیر نیز باید بارها و از طرف افراد مختلف، نقد و ارزیابی شود تا اشکالات و نقص‌های آن در بوتۀ داوری قرار گرفته، همچون بسیاری از تفاسیر دیگر، جایگاه خود را پیدا کند و بهتر به ثمر بنشیند. نوشتار حاضر نیز در راستای آغازی برای این هدف، تدوین شده است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تصحیح دکتر صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. انصاری، محمدعلی؛ مشکاة (تفسیر قرآن)؛ ج ۱، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۲ ش.
۴. \_\_\_\_\_؛ ج ۲، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۲ ش.
۵. \_\_\_\_\_؛ ج ۴، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۶ ش.
۶. \_\_\_\_\_؛ ج ۵، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۳ ش.
۷. \_\_\_\_\_؛ ج ۷، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۴ ش.
۸. \_\_\_\_\_؛ ج ۱۰، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۶ ش.
۹. \_\_\_\_\_؛ ج ۱۱، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۶ ش.
۱۰. \_\_\_\_\_؛ ج ۱۲، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. \_\_\_\_\_؛ ج ۱۳، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۷ ش.
۱۲. \_\_\_\_\_؛ ج ۱۵، مشهد، انتشارات بیان هدایت نور، ۱۳۹۸ ش.
۱۳. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، انتشارات سمت / پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، تصحیح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، بی نا، قم، بی تا.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهاردهم، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. معرفت، محمد هادی، التمهید، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. \_\_\_\_\_، تاریخ قرآن، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسه اهل بیت علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۲۳. مهریزی، مهدی، «روایات تفسیری شیعه؛ گونه شناسی و حجیت»، علوم حدیث، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹ ش.